



Woman in Development and Politics

Ranking of affecting factors on the quality of life of employed and housewives women (Using AHP technique)

Elham Shirdel¹ | Mehdi Moeini² | Abdolhamid Dehani³

1. Corresponding Author, Department of Social Science, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan And Baluchestan, Zahedan, Iran. E-mail: eshirdel@lihu.usb.ac.ir
2. Department of Social Science, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. E-mail: mmoeini84@gmail.com
3. Department of Social Science, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan And Baluchestan, Zahedan, Iran. E-mail: hamid.dehani7781@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 14 June 2022

Received in revised form: 23
November 2022

Accepted: 24 December 2022

Published online: 22 June 2023

Keywords:

social support,
social relationship,
women,
quality of life,
social status.

ABSTRACT

The transformation of society, the independence of the work environment from the family environment, changes in some other institutions, including the generalization of formal education, and the economic need of households increased society and families' demand for women's employment. In the industry and service sectors, it led to the entry of women into the labor market, and as a result, the number of employed women increased. Therefore, the connection of life with employment or being a housewife is one of the most critical issues for the quality of life of women in society, which can play a fundamental and decisive role in managing the lives of employed and married women. Meanwhile, in recent decades the issue of quality of life has attracted the attention of many scientists. Although it is crucial to study the quality of life of all the strata of society, in the meantime, paying attention to the way of women life and their quality of life can be very effective in improving the health of families, today's and tomorrow's generations, and ultimately the entire society. Considering the change in the lifestyle and traditional roles of women in today's society, as well as their extensive participation in various fields, the present research aims to rank the factors affecting the quality of life of employed and married women. The current research is a type of applied study with the nature of a descriptive-survey research method. The target statistical population in Mehrestan city consists of 16 married women (employed or not) with at least five years of marriage history and a master's degree in sociology, who, due to the unwillingness of some of them to cooperate in research or the impossibility of accessing them, finally 13 (including seven employed-housewives and six unemployed) experts cooperated in completing the questionnaires and were studied as the statistical sample of the research. It is worth mentioning that due to the limitation of the studied society, an enumeration method was used for sampling. The information in this research is collected from library materials (books, articles, reliable scientific databases), standard questionnaires, and paired matrix questionnaires (experts). To measure the validity of the questionnaire, identifying the factors based on the Likert scale, considering the standard questionnaire, face validity was used, and measuring its reliability based on Cronbach's alpha coefficient shows good reliability. Also, according to the calculated inconsistency rate (less than 0.1), the expert questionnaire has good reliability. Data analysis concluded using AHP hierarchical analysis model and Expert choice software. The findings of this research indicate that among the six affecting factors on the quality of life of employed and unemployed married women in Mehrestan city, the social relationship was identified as the main factor. In the following, the social security factor was second, the social support factor was third, the social status factor was fourth, the cultural capital factor was fifth, and the public health factor was ranked sixth. This research showed that women's social ties in their quality of life stands higher than other factors, and social security, support, and status are in the next level. In other words, the most paramount factor in women's quality of life is having a network of healthy social relationships with favorable social security, support, and status compared to others. Cultural capital is also effective in women's access to resources and improving their quality of life. Also, with the increase in women's general health, their quality of life increases. Therefore, it

can be accepted that employed married women are attracted to the social framework due to their participation in social activities, and as a result, they do not see a difference between individual and social values, and they have a sense of responsibility and trust towards social values and norms that increase social integration. Therefore, they feel that the community's fate is related to its components, and that they see the community as a suitable place for their evolution. This positive attitude towards the community and people brings social acceptance and increases the social health of the individual, which, as a result, improves the quality of life of employed married women and increases their psychological security.

Cite this article: Shirdel, E., Moeini, M., & Dehani, A. (2023). Ranking of affecting factors on the quality of life of employed and housewives women (Using AHP technique). *Women in Development and Politics*, 21(2), 517-540. DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.344209.1008222>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.344209.1008222>





انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

رتبه‌بندی عوامل اثرگذار بر کیفیت زندگی زنان متأهل شاغل و خانه‌دار با استفاده از تکنیک AHP

الهام شیردل^۱ | مهدی معینی^۲ | عبدالحمید دهانی^۳

۱. نویسنده مسئول، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: eshirdle@lihu.usb.ac.ir

۲. گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: mmoeini84@gmail.com

۳. گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. رایانامه: hamid.dehani7781@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

یکی از اهداف مهم در جوامع مختلف، کیفیت زندگی مردم آن کشور به‌ویژه زنان است. زنان به‌عنوان مؤثرترین عضو جامعه، نقش بسزایی در اداره خانواده و تحکیم ساختارهای جامعه دارند. کیفیت زندگی زنان تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. از این‌رو هدف از انجام پژوهش حاضر، رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زنان متأهل شاغل و خانه‌دار است. روش تحقیق توصیفی-پیمایشی و جامعه آماری آن شامل ۱۳ تن از زنان متأهل شاغل و خانه‌دار شهرستان مهرستان است که دارای حداقل پنج سال سابقه خانه‌داری یا اشتغال و حداقل مدرک کارشناسی در رشته جامعه‌شناسی هستند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه مقایسه زوجی استفاده شد. پایایی ابزار پژوهش با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و نرخ ناسازگاری کوچک‌تر از ۰/۱ در سطح بالا محاسبه شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل تحلیل سلسله‌مراتبی AHP و نرم‌افزار Expert choice انجام گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد از بین شش عامل مؤثر بر کیفیت زندگی زنان شاغل و خانه‌دار شهرستان مهرستان، رابطه اجتماعی مهم‌ترین عامل است. در ادامه، امنیت اجتماعی در رتبه دوم، حمایت اجتماعی در رتبه سوم، منزلت اجتماعی در رتبه چهارم، سرمایه فرهنگی در رتبه پنجم و سلامت عمومی در رتبه ششم عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زنان شاغل و خانه‌دار قرار گرفتند؛ بنابراین، کیفیت پیوندهای اجتماعی در افزایش سلامت اجتماعی و از طرف دیگر در کیفیت زندگی زنان متأهل شاغل و خانه‌دار نقش اساسی دارد.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۹/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

واژه‌های کلیدی:

حمایت اجتماعی، رابطه اجتماعی، زنان، کیفیت زندگی، منزلت اجتماعی.

استناد: شیردل، الهام، معینی، مهدی و دهانی، عبدالحمید (۱۴۰۲). رتبه‌بندی عوامل اثرگذار بر کیفیت زندگی زنان متأهل شاغل و خانه‌دار با استفاده از تکنیک AHP.

زن در توسعه و سیاست، ۲۱(۲)، ۵۱۷-۵۴۰.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.344209.1008222>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

پیشرفت علم و فناوری موجب تحول در تمامی سطوح زندگی انسان‌ها شده و نوع جدیدی از زندگی را جایگزین زندگی سنتی کرده است. زنان به‌عنوان مؤثرترین عضو جامعه، در واقع بیشترین سهم را در اداره خانواده (مهم‌ترین واحد اجتماعی شناخته‌شده) برعهده دارند. زن به‌دلیل نقش خاصی که در دستگاه خلقت برعهده دارد، به سرمایه‌های درونی مهمی مجهز است که جامعه بشری در رشد خود نیازمند آن‌ها است (Khatibi, 2014: 52). به‌دنبال تحول جامعه و مستقل‌شدن محیط کار از محیط خانواده و تغییر در برخی نهادهای دیگر، از جمله تعمیم آموزش و پرورش رسمی، نیاز اقتصادی خانوارها به کار زنان در خارج از خانه و نیاز روزافزون جامعه در به‌کارگیری نیروی کار زنان در بخش‌های صنعت و خدمات، موجب ورود زنان به بازار کار شد و در نتیجه تعداد زنان شاغل افزایش یافت. این ورود زنان دو پیامد مهم داشته است. از یک سو موجب بالارفتن میزان تحصیلات زنان، آموختن مهارت‌های مختلف، بهبود وضع کار، گرایش زنان به استقلال اقتصادی و افزایش عزت‌نفس آنان شده است. از سوی دیگر کار در خارج از خانه، آنان را با پدیده‌ای تعارض‌کار-خانواده و خانواده-کار مواجه می‌سازد (Khatibi, 2014: 64). یکی از شاخص‌ترین این تحولات، ورود گسترده آنان به‌سوی اشتغال در خارج از محیط خانه است. اشتغال به معنای کارکردن در خارج از خانه در زمان مشخص و با دستمزد و پاداش معین است و خانه‌داری به معنای حضور در منزل بدون حقوق و دستمزد است که فایده‌چندانی ندارد و نوعی بیکاری است. پیوند زندگی با اشتغال یا خانه‌داربودن زن یکی از موضوعات بسیار بااهمیتی هست که برای زنان جامعه دارای اهمیت است و در این میان کیفیت زندگی می‌تواند نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در اداره زندگی زنان شاغل و خانه‌دار داشته باشد (Dawood & Habib, 2018: 112).

کیفیت زندگی دارای ابعادی پیچیده و مختلف است و عوامل عینی و ذهنی را دربرمی‌گیرد و به ارزیابی افراد در جنبه‌های مهم زندگی می‌پردازد. شاخصه‌های اصلی کیفیت زندگی که مورد پذیرش بیشتر پژوهشگران جامعه‌شناسی است، شامل چندبعدی، ذهنی و پویا بودن آن است و هر سه جنبه اصلی کیفیت زندگی شامل ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی آن است (Turkman & Fathi, 2013: 165). کیفیت زندگی مقوله‌ای پیچیده است که در منابع گوناگون عمومی و تخصصی، تعاریف متفاوتی از آن ارائه شده است (Heydarian & Isanejad, 2019: 718). موضوع کیفیت زندگی در دهه‌های اخیر، توجه بسیاری از دانشمندان را به خود جلب کرده است. سنجش و انتشار سالیانه شاخص‌های کیفیت زندگی و رتبه‌بندی کشورها با توجه به این شاخص‌ها حکایت از توجه فزاینده سازمان‌های جهانی به این امر مهم دارد. مطالعه کیفیت زندگی تمامی اقشار جامعه مهم است، اما در

۱. این پدیده محصول دوران مدرن است و زمانی پیش می‌آید که فرد هم‌زمان درصدد ایفای دو نقش خانگی و شغلی است.

این بین، توجه به نحوه زندگی زنان و کیفیت زیست آنان می‌تواند در ارتقای سلامت خانواده‌ها، نسل‌های امروزی و فردا و در نهایت کل جامعه بسیار اثرگذار باشد (Mirzaei et al., 2012: 87).

از آنجا که حدود نیمی از جمعیت ایران را زنان تشکیل می‌دهند و آن‌ها نقش مهمی در نگاه‌داشت ارکان خانواده ایفا می‌کنند، شناسایی کیفیت زندگی آنان از اهمیت خاصی برخوردار است. بی‌توجهی به این موضوع سبب می‌شود از بسیاری از مسائل و مشکلات آن‌ها غفلت شود؛ مسائلی که بر کیفیت زندگی خانوادگی و بروز آسیب‌های اجتماعی جامعه اثرگذار است؛ بنابراین در هر تحقیقی با توجه به موضوع و ماهیت پژوهش و همچنین شرایط و مقتضیات خاص تحقیق، یک دسته از عوامل تأثیرگذار شناسایی و تجزیه و تحلیل می‌شود و هیچ تحقیقی قادر نیست همه ابعاد را بررسی کند. به همین دلیل در این تحقیق نیز بعضی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی زنان متأهل شهر مهرستان بررسی می‌شود. پرسشنامه استفاده‌شده در این پژوهش بر مبنای ترکیبی از نظریات مرتبط با کیفیت زندگی، مبتنی بر شش عامل اصلی مؤثر در افزایش کیفیت زندگی زنان متأهل شامل مؤلفه‌های حمایت اجتماعی، سرمایه فرهنگی، احساس امنیت، عدالت اجتماعی، منزلت اجتماعی، احساس سلامتی و روابط اجتماعی است. علاوه بر این، با توجه به این نکته که غالباً مناطق کمتر توسعه‌یافته‌ای مانند سیستان و بلوچستان از دید پژوهشگران مغفول می‌ماند، توجه به وضعیت زنان متأهل در شهرستان مهرستان استان سیستان و بلوچستان و تعیین اولویت‌بندی عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی در گروه‌های مختلف آنها حائز اهمیت است. به این ترتیب پژوهش حاضر به این سؤال اصلی پاسخ می‌دهد که رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زنان در دو گروه زنان متأهل شاغل و خانه‌دار شهرستان مهرستان چگونه است.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. پیشینه نظری

یکی از هدف‌های اقتصادی مهم که در جوامع مختلف به آن نگاهی ویژه شده کیفیت زندگی و افزایش رفاه مادی است که جایگاهی مهم در ادبیات اقتصادی نوین دارد (Khayatzadeh, 2003: 59). تا دهه ۱۹۷۰ کیفیت زندگی به جنبه مادی و نتایج رشد اقتصادی توجه داشت، اما از دهه ۱۹۷۰ به دلیل آثار منفی رشد اقتصادی و ظهور نظریه توسعه پایدار، کیفیت زندگی اجتماعی تر شد و مسائلی مانند توزیع پیامدهای حاصل از رشد و حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست را دربرگرفت. در دهه ۱۹۹۰ بحث در مورد کیفیت زندگی اجتماعی با تأکید بر سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی و... آغاز شد (Ghafari et al., 2008: 64).

کیفیت زندگی در واقع خود ترکیب شده از عناصر مهم اجتماعی، اقتصادی، شرایط محیطی و بهداشتی است. یکی از شاخص‌های مهم کیفیت زندگی تولید ناخالص داخلی است (Ahmad, 2018: 13). ریشه‌های تاریخی به‌کارگیری عبارت کیفیت زندگی را می‌توان در آثار کهن ارسطو در ۳۳۰ قبل از مسیح یافت که با عبور از دوره‌های فراوان تغییرات زیاد داشته و شامل علایق شخصی، احساسات، تجارب، دیدگاه‌ها و عقاید مربوط به فرهنگ، معنویات، فلسفه و روان‌شناسی مالی است (Nazari & Mokhtari, 2010).

بر اساس نظریات صاحب‌نظران، کیفیت زندگی دارای مؤلفه‌های گوناگونی است که در دوره‌ها و مکان‌های گوناگون متفاوت هستند. بنا بر نظر ژان، کیفیت زندگی دارای ابعاد متفاوتی است که عبارت است از: تصور از خود، رضایت از زندگی، عملکرد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، و عوامل بهداشتی. مطابق نظر ژان^۱ کیفیت زندگی متأثر از زمینه‌های شخصی، فرهنگی، سن و محیط است و نتیجه رابطه دوطرفه‌ای است که میان شخص و محیط وجود دارد (Aghamolai, 2005). از طرف دیگر، مفهوم کیفیت زندگی نسبی است و تعریفی یکسان و مطلق ندارد. همچنین علاوه بر شرایط عینی و خارجی، دارای شرایط ذهنی و درونی نیز هست.

کورنر^۲ عوامل اثرگذار بر کیفیت زندگی را به دو بعد عینی و ذهنی تقسیم می‌کند. از دیدگاه او، بررسی کیفیت زندگی از بعد ذهنی یعنی این مفهوم تحت تأثیر تفاوت‌های فردی در داخل گروه‌های اجتماعی و فرهنگی است و حتی در بین گروه‌ها نیز این تفاوت‌ها آشکارند (Jha & Singh, 2020: 332).

جدول ۱. عوامل اثرگذار بر کیفیت زندگی

ابعاد	عوامل	شرح خلاصه
فردی	عوامل شخصیتی	در هر فرد تحت تأثیر سلامت روان آن فرد است و بر کیفیت زندگی وی اثرگذار است.
	عوامل استقلال فردی	در عین حال که با عوامل شخصیتی در ارتباط هستند، از محیط فیزیکی و اجتماعی مستقل‌اند، مانند توانایی تصمیم‌گیری.
اجتماعی	عوامل وضعیت سلامتی	کیفیت زندگی افراد تحت تأثیر سلامت جسمی و روانی افراد است
	عوامل اقتصادی-اجتماعی	ارزشمندی فرهنگ مصرف جهانی و پاسخ افراد موجب شده تا دو عامل درآمد و ثروت از عوامل اثرگذار بر کیفیت زندگی باشند.
	عوامل فرهنگی	سن، جنس، موقعیت طبقاتی و پیشینه قومی-فرهنگی افراد سبب تفاوت‌های فرهنگی می‌شود.
	عوامل محیط فیزیکی	شامل آن دسته از استانداردهایی است که به محیط پیرامون زندگی افراد مرتبط است، مانند مساحت مسکن و وجود یا نبود امکانات ابتدایی مثل آب گرم و گرمایش منزل و... .
	عوامل اجتماعی	جنبه‌های مهم محیط اجتماعی مانند شبکه‌های حمایتی خانواده و اجتماع است.

منبع: Jha & Singh, 2020: 332

1. Zan
2. corner

براساس این نظریات می‌توان گفت کیفیت زندگی دارای طرح مفهومی واحدی نیست و در شرایط گوناگون معانی متفاوت دارد. شایان ذکر است که در هر تحقیقی با توجه به موضوع و ماهیت پژوهش و همچنین شرایط و مقتضیات خاص آن، یک دسته از عوامل تأثیرگذار شناسایی و تجزیه و تحلیل می‌شود (Chaudhary, 2018: 212). در ادامه به برخی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زنان می‌پردازیم.

منزلت اجتماعی: منزلت، پایگاه اجتماعی است که فرد در میان یک گروه دارد. همچنین به مرتبه اجتماعی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر گفته می‌شود و بازتاب‌دهنده عواملی مانند منشأ خانوادگی رفتار، تحصیلات و ویژگی‌های مشابه است که دستیابی به آن‌ها یا از دست‌دادنشان دشوارتر از به دست آوردن یا از دست دادن ثروت اقتصادی است (Malek, 2013: 513). وبر معتقد است گروه‌های منزلتی معمولاً اجتماعی هستند که با سبک‌های شایسته زندگی و احترام و فقر اجتماعی‌ای که دیگران برایشان قائل‌اند، به یکدیگر وابستگی پیدا می‌کنند. از نظر او، گروه منزلتی فقط زمانی می‌تواند وجود داشته باشد که دیگران برای اعضای آن گروه، حیثیت یا فروپایگی قائل شوند و بدین‌سان، آن‌ها را از بقیه کنشگران اجتماعی متمایز سازند و میان آنان و ما فاصله اجتماعی لازم را برقرار کنند. از نظر تجربی، میان موضع طبقاتی و منزلتی افراد، همبستگی‌های بسیار نزدیکی وجود دارد. به‌ویژه در جامعه سرمایه‌داری طبقه‌ای که از نظر اقتصادی روبه پیشرفت است، با گذشت زمان، منزلت والاتری را نیز خواستار خواهد شد. با این همه افراد دارا و ندار اصولاً می‌توانند به یک گروه منزلتی تعلق داشته باشند (Amirpour Said, 2018)؛ بنابراین با توجه به نظریه وبر می‌توان ادعا کرد افرادی که در جامعه از منزلت اجتماعی بیشتری برخوردارند، دارای کیفیت زندگی بهتری نیز هستند.

امنیت اجتماعی: مفهوم امنیت اجتماعی را اولین بار بوزان به کار برد. او امنیت اجتماعی را توانایی افراد برای محافظت از الگوهای زبانی، مذهبی، فرهنگی، هویت و عرف ملی دانسته است (Navidenia, 2005: 143). گیدنز معتقد است منظور از امنیت اجتماعی، اعمال قوانینی در جهت محافظت از زندگی اعضای یک اجتماع و سپس حفاظت از شیوه و سبک زندگی آن‌ها است. به عقیده لات نیز منظور از امنیت اجتماعی حفاظت از جان، مال، ناموس و آبروی مردم و نیاز فراهم کردن آرامش روحی-روانی آن‌ها است (Ibid: 152).

حمایت اجتماعی: حمایت اجتماعی^۱ مکانیسمی از ارتباطات میان فردی است که افراد را از تأثیرات تنیدگی منفی محافظت می‌کند (Torabi, 2013). حمایت اجتماعی به‌نوبه خود می‌تواند بر کیفیت

زندگی و ابعاد آن تأثیر بسزایی داشته باشد. افراد حمایت‌های متنوعی از اعضای شبکه خود دریافت می‌کنند. مطالعات گسترده در مورد حمایت اجتماعی نشان داده است که خویشاوندان (دور و نزدیک)، دوستان، همسایگان و همکاران منابع مهمی هستند که می‌توان در صورت نیاز به آنان مراجعه کرد. به عبارت دیگر، با تنوع روابط، افراد به طیف وسیعی از حمایت‌های مختلف دست می‌یابند. حمایت‌های اجتماعی افراد را قادر می‌سازد تا توانایی رویارویی با مشکلات روزمره و بحران‌های زندگی را داشته باشند. هندرسون می‌گوید حمایت نیاز اصلی انسان است و افراد باید از حمایت دریافتی رضایت کامل داشته باشند (در آن‌ها شادابی ایجاد کند) تا موجب ایجاد سلامتی و ارتقای آن و لذت‌بردن از آن شود (Hosseini et al., 2016).

سلامتی: فایده‌گرایان سلامتی نیز بر این عقیده‌اند که سلامتی ابزار مفیدی برای رسیدن به کیفیت بهتر زندگی است. طبق این دیدگاه، تفاوت در جنس، سن، استعداد، بیماری و عوامل دیگر سبب می‌شود افراد فرصت‌های زندگی کاملاً متفاوتی را اتخاذ کنند و میزان رضایت آن‌ها از زندگی کاملاً متفاوت باشد؛ برای مثال میزان استفاده فردی دارای معلولیت یا بیماری از یک کالا متفاوت با میزان استفاده یک فرد سالم از همان کالا است و آن دو بهره یکسانی نمی‌برند؛ بنابراین می‌توان گفت هنگامی که انسان در آسایش و سلامتی به سر می‌برد، احساس شادی به او منتقل می‌شود و کیفیت زندگی او افزایش می‌یابد (Ibid).

سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از روابط، معلومات و امتیازات است که فرد برای حفظ کردن یا به دست آوردن یک موقعیت اجتماعی از آن استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، سرمایه‌ای فرهنگی به طور کلی در قلمرو امکانات یک قشر، گروه، طایفه یا قبیله است (Salehi Amiri, 2007: 54). در زمینه سرمایه فرهنگی، بورديو معتقد است سرمایه فرهنگی برای هر انسانی یک ثروت به حساب می‌آید. به عقیده وی، اگر افراد بتوانند در کنار سرمایه اقتصادی از سرمایه فرهنگی برخوردار شوند می‌توانند در جامعه موقعیت اجتماعی بالاتری داشته باشند (Shams Elahi & Kafashi, 2012). بورديو تأثیر سرمایه فرهنگی بر مصرف، کار و کیفیت زندگی افراد را به وسیله نظریه تمایز توضیح می‌دهد. در این نظریه، بورديو بر این عقیده است که مالکان سرمایه فرهنگی زیاد، خود را با مصرف فرهنگ و هنر والاتر از بقیه تفکیک می‌کنند. او همچنین بر رابطه بین موقعیت فرد در دسته‌بندی اقتصادی و کیفیت زندگی فرهنگی که از پدیده‌های زندگی نوین است، تأکید می‌ورزد. در حقیقت بورديو در نظریه تمایز خود بر آن است که طبقه‌های مسلط فرادست، ذوق‌های فرهنگی متفاوتی دارند که تلاش می‌کنند آن را به عنوان شاخص برتری خویش در زمینه‌های متفاوت نگه

دارند. از طرف دیگر، در این نظریه رفتار افراد نیز نه تنها در نوع مصرف که در پایان در کیفیت زندگی آن‌ها تأثیرگذار است (Ibid).

ارتباط اجتماعی: ارتباط اجتماعی که در برخی کتاب‌ها به رابطه اجتماعی ترجمه شده، اصطلاحی کلی است که از آن برای بیان تمامی اشکال روابط اجتماعی با مشارکت آگاهانه افراد یا گروه‌ها استفاده می‌شود و وسایل ارتباط اجتماعی، علامات، حرکات، نمادها، سخن و... و صور مربوط به زبان و هر بیان معنی‌دار را دربرمی‌گیرد (Biro, 1991: 413). فلانگان معتقد است هرچقدر فرد بتواند با دیگران ارتباط مؤثرتری برقرار و در فعالیتهای جمعی و اجتماعی فعالیت کند، همچنین با شرکت در فعالیتهای سرگرم‌کننده جامعه‌پذیری خود را افزایش دهد، کیفیت زندگی بهتری خواهد داشت (Nazari & Mokhtari, 2010). اهمیت این شاخص از آن جهت است که زنان در تمامی جوامع، یکی از ذخایر مهم و باارزش انسانی محسوب می‌شوند و چنانچه جامعه نتواند از این نیروی کارآمد بهره‌برداری لازم را به عمل آورد، در مسیر رشد و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد شد (Amini & Ghanizadeh, 2010: 195). درحالی‌که چنانچه در جامعه‌ای زنان در زمینه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی مشارکت داشته باشند، رفاه آن جامعه نیز بیشتر خواهد بود؛ چرا که مشارکت آنان در بازار کار سبب رشد تولید، رشد درآمد سرانه و درنهایت افزایش سطح رفاه اجتماعی می‌شود.

۲-۲. مطالعات داخلی

در حوزه مطالعات داخلی نیز پژوهش‌های محدودی هست که نتایج برخی از آن‌ها به شرح زیر است. خداحمی و همکاران (۱۳۹۹) در «مقایسه سبک‌های اسنادی، شادکامی و عزت‌نفس در زنان شاغل و خانه‌دار» بیان کردند سبک‌های اسنادی در میان زنان شاغل و خانه‌دار برابر است و تفاوت چندانی میان سبک‌های اسنادی زنان شاغل و خانه‌دار قابل مشاهده نیست. البته شادکامی و عزت‌نفس زنان شاغل و خانه‌دار برابر نیست؛ به‌گونه‌ای که شادکامی و عزت‌نفس زنان شاغل بیشتر از زنان خانه‌دار است؛ چرا که زنانی که بیرون از خانه مشغول به کار هستند، این عرصه برای آنان فراهم می‌شود که توانمندی‌ها و استعداد‌های خود را در مشاغل مختلف نشان دهند. همچنین هنگامی که زنان منابع قدرتمندی را در اختیار بگیرند، امکان دارد قدرتی مساوی و نزدیک به هم داشته باشند، رودررو اعمال قدرت کنند و از طریق بحث و گفت‌وگو آسیب‌های موجود را برطرف سازند. خانقاهی و همکاران (۱۳۹۸) در «بررسی مقایسه‌ای اضطراب بیماری و رضایت جنسی زناشویی در زنان متأهل شاغل و خانه‌دار» دریافتند اضطراب و تمامی مؤلفه‌های مربوط به آن در زنان شاغل بیشتر از زنان خانه‌دار است؛ زیرا زنان شاغل انرژی و توان زیادی را صرف کار می‌کنند که موجبات فرسودگی آن‌ها را فراهم می‌آورد. علاوه‌براین

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین رضایت جنسی زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار وجود دارد؛ به نحوی که زنان شاغل از رضایت جنسی زناشویی کمتری برخوردارند. علت این امر آن است که زنان خانه‌دار در مقایسه با زنان شاغل فرصت بیشتری برای استراحت و رسیدگی به کارهای منزل دارند. تبریزی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه «کیفیت زندگی زنان شاغل و خانه‌دار» دریافتند که میان کیفیت زندگی زنان خانه‌دار و شاغل تفاوت معناداری وجود ندارد و کیفیت زندگی زنان تحت تأثیر اشتغال آنان قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین می‌توان گفت کیفیت زندگی زنان بیشتر از آنکه تحت تأثیر شاغل یا خانه‌دار بودن آن‌ها باشد، تحت تأثیر برداشت‌های ذهنی آن‌ها است. رستگارسب و همکاران (۱۳۹۱) در «بررسی و مقایسه کیفیت زندگی زنان شاغل و غیرشاغل شهرستان مشهد» متغیرهای کیفیت زندگی، سرمایه اجتماعی، رضایت از زندگی، حمایت‌های اجتماعی و... را مطالعه کردند و به این نتیجه رسیدند که بین وضعیت شغلی و کیفیت زندگی رابطه مثبت وجود دارد؛ به گونه‌ای که زنانی که مشغول به کار هستند، کیفیت زندگی بهتری از زنان خانه‌دار دارند. همچنین تجزیه و تحلیل آن‌ها از متغیر سرمایه اجتماعی که در ارتباط با مفهوم مشارکت و اعتماد است مشخص کرد هرچقدر سرمایه اجتماعی افزایش یابد، کیفیت زندگی نیز بهتر می‌شود.

تحقیقات پیشین به مقایسه کیفیت زندگی و ابعاد آن بین دو گروه عمده زنان شاغل و خانه‌دار پرداخته‌اند و مرور آن‌ها حاکی از نتایج پژوهشی متفاوت و متناقض در این حوزه است؛ به طوری که برخی از مطالعات نشان داد تفاوتی بین این دو گروه از نظر کیفیت زندگی وجود ندارد و برخی مدعی بودند کیفیت زندگی بین دو گروه زنان خانه‌دار و شاغل متفاوت است. در دسته دوم نیز نتایج متفاوتی وجود دارد. دسته‌ای از تحقیقات نشان دادند زنان خانه‌دار از کیفیت زندگی بهتری برخوردارند و دسته‌ای از محققان برعکس. این تحقیق با تمرکز بر اولویت‌بندی عوامل اثرگذار بر کیفیت زندگی می‌تواند تا حدودی پاسخگوی این تفاوت‌ها و تناقض‌ها باشد. به عبارتی اگر این زمینه و عوامل در زنان خانه‌دار و شاغل به ترتیب وجود داشته باشد، به همان میزان در کیفیت زندگی آن‌ها تأثیرگذار خواهد بود.

۲-۳. مطالعات خارجی

کوچوککایا و کاهیا اوغلو^۱ (۲۰۲۱) در مطالعه «کیفیت زندگی خانه‌دار و زنان شاغل در معدن منیزیت» دریافتند زنان شاغل در معدن، بیشتر از خانه‌دارها استرس دارند. کیفیت زندگی خانه‌دارها نیز بیشتر از زنان شاغل در معدن منیزیت بود. همچنین در هر دو گروه، با کاهش کیفیت زندگی جسمی، روحی، اجتماعی و محیطی، میزان افسردگی، اضطراب و استرس در زندگی افزایش می‌یافت. سینگ و کومار^۲

1. Kucukkaya & Kahyaoglu
2. Singh & Kumar

(۲۰۲۰) در «بررسی متغیرهای کیفیت و رضایت از زندگی در بین زنان شاغل و خانه‌دار» بیان کردند زنان شاغل دارای محبت، رضایت زناشویی، همدلی، توافق و همچنین روابط تجاری و استاندارد زندگی بیشتری هستند، ولی زنان خانه‌دار احساساتی‌ترند و خشونت فیزیکی بیشتری نشان می‌دهند. تفاوت میان این دو گروه ممکن است به دلیل نقش آموزش و رابطه آن با وضعیت مالی آن‌ها باشد. احمد و خان^۱ (۲۰۱۸) در مطالعه «کیفیت زندگی میان زنان متأهل شاغل و خانه‌دار» به این نتیجه رسیدند که زنان خانه‌دار و شاغل با توجه به مسائل خاصی که دارند، کیفیت زندگی آن‌ها نیز با هم متفاوت است. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد هیچ تفاوتی میان زنان متأهل شاغل و خانه‌دار از نظر وضعیت جسمی وجود ندارد. این در حالی است که دو گروه از نظر روان‌شناختی، اجتماعی و محیطی تفاوت دارند. دلیل این امر ممکن است این باشد که زنان شاغل تحصیلات بیشتری دارند، بیشتر در معرض روابط بین‌فردی حرفه‌ای هستند و گاهی نقش دوگانه‌ای دارند که راحت‌تر می‌توانند بازی کنند، ولی زنان خانه‌دار در خانه می‌مانند و کارهای خانه را انجام می‌دهند، اگرچه به صورت غیرمستقیم می‌توانند در تولید کل خانواده نقش داشته باشند. چوپرا و دیوید^۲ (۲۰۱۸) در بررسی «کیفیت زندگی زنان شاغل و خانه‌دار مرتبط سلامت» توضیح دادند که تفاوت معناداری از نظر کیفیت زندگی میان زنان شاغل و خانه‌دار وجود دارد. یافته‌های این تحقیق نشان داد زنان شاغل سلامت‌ترند و وضعیت آن‌ها از زنان خانه‌دار در تمامی حوزه‌های کیفیت زندگی جز عملکرد فیزیکی بهتر است. همچنین یافته‌ها حاکی از آن بود که تفاوت‌ها بیشتر مربوط به حوزه روان‌شناسی بهداشت و سلامت جسمی است. عظما و ضیاب^۳ (۲۰۱۵) در مطالعه «بررسی عزت‌نفس زنان شاغل و خانه‌دار» که در شهر کراچی پاکستان انجام دادند دریافتند زنان شاغل عزت‌نفس بیشتری از زنان خانه‌دار دارند. زنان شاغل خود را آماده‌مقابله با انواع چالش‌ها در جامعه امروزی می‌دانند. همچنین به دلیل موقعیت شغلی و مالی‌ای که دارند، از فرهنگ و اعتمادبه‌نفس بیشتری برخوردار هستند. مقبول^۴ و همکاران (۲۰۱۴) در «بررسی سلامت روان میان زنان شاغل و خانه‌دار» دریافتند زنان خانه‌دار در مقایسه با زنان شاغل، از سلامت روان بیشتری برخوردارند. دلیل این امر این است که زنان خانه‌دار اوقات فراغت بیشتری دارند و مشغله ذهنی آن‌ها کمتر از زنان شاغل است. برای زنان شاغل که نقش چندگانه‌ای بازی می‌کنند، ایجاد تعادل میان کار و زندگی دشوار است. از دید آن‌ها نه تنها تعداد وظایف، بلکه تنوع و تعارض این وظایف موجب ایجاد مشکلاتی برای آن‌ها شده است که سلامت روان آن‌ها را به خطر می‌اندازد.

1. Ahmad & Khan

2. Chopra & David

3. Azma & Ziyab

4. Maqbool

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی-پیمایشی است. گردآوری اطلاعات براساس مطالعات کتابخانه‌ای (کتاب‌ها، مقالات، پایگاه‌های داده‌های علمی معتبر) و پرسشنامه ماتریس زوجی گردآوری شد (ابعاد مورد نظر برای هریک از متغیرها در جدول به اختصار آمده است). جامعه آماری پژوهش شامل زنان متأهل شاغل و خانه‌دار با حداقل پنج سال سابقه تأهل در شهرستان مهرستان است. با توجه به اینکه در روش AHP هیچ فرمول و روش نمونه‌گیری خاصی برای محاسبه حجم نمونه وجود ندارد و ملاک آن خبرگی پاسخ برای وزن‌دهی به معیارها است، در این پژوهش، خبره به آن دسته از زنان متأهلی اطلاق می‌شود که حداقل پنج سال تجربه اشتغال-خانه‌داری یا خانه‌داری داشته باشند. همچنین برای اطمینان از خبرگی و آشنایی پاسخ‌دهنده با مفهوم و معیارهای کیفیت زندگی، داشتن تحصیلات کارشناسی ارشد در رشته جامعه‌شناسی به عنوان دیگر معیار ورود در نظر گرفته شد. براین اساس جامعه آماری مورد نظر در شهرستان مهرستان مشتمل بر ۱۶ نفر از زنان متأهل (شاغل-خانه‌دار یا صرفاً خانه‌دار) با حداقل پنج سال سابقه تأهل با مدرک کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی است که با توجه به عدم تمایل برخی از آن‌ها به همکاری در پژوهش یا نداشتن دسترسی به آن‌ها، در نهایت ۱۳ نفر (۷ شاغل-خانه‌دار و ۶ خانه‌دار) خبره در تکمیل پرسشنامه‌ها همکاری کردند و به عنوان نمونه آماری پژوهش مطالعه شدند. شایان ذکر است که با توجه به محدودیت جامعه مورد مطالعه، برای نمونه‌گیری از شیوه همه‌شماری استفاده شد.

جدول ۲. پرسشنامه‌های استاندارد پژوهش

متغیر	پرسشنامه	معیار
کیفیت زندگی	وارکاسینسکی و کلر (۱۹۹۱)	۱. درک کلی از سلامتی خود؛ ۲. عملکرد فیزیکی؛ ۳. سلامت جسمانی؛ ۴. درد جسمانی؛ ۵. مشکلات هیجانی؛ ۶. نشاط و انرژی؛ ۷. عملکرد اجتماعی؛ ۸. سلامت روان.
سلامت عمومی	گلدبرگ (۲۰۱۰)	۱. مقیاس جسمانی (احساس فرد نسبت به وضع سلامت خود و احساس خستگی)؛ ۲. مقیاس اضطراب (وضعیت اضطراب و بی‌خوابی)؛ ۳. اختلال در کنش و کارکرد اجتماعی (گستره توانایی افراد در مقابله با خواسته‌های حرفه‌ای، مسائل روزمره زندگی، احساسات و چگونگی کنارآمدن با موقعیت‌های متداول)؛ ۴. افسردگی (افسردگی وخیم و گرایش به خودکشی).
سرمایه فرهنگی	شربتیان و اسکندر (۱۳۹۶)	۱. ذهنیت یافته (میزان مطالعه، آشنایی با مضامین گوناگون علمی، هنری، ادبی، روانشناسی، رمان و...)؛ ۲. عینیت یافته (استفاده از کامپیوتر و نرم‌افزارها، آموزش رشته‌های مختلف هنری و ورزش)؛ ۳. نهادینه شده (قصد ادامه تحصیل، انجام فعالیت‌های علمی-پژوهشی و شرکت در دوره‌های آموزشی).
حمایت اجتماعی	واکس و همکاران (۲۰۱۱)	۱. حمایت خانواده؛ ۲. حمایت دوستان؛ ۳. حمایت دیگران.

ارتباط اجتماعی	بارتون جی. ای. (۲۰۰۶)	۱. روابط اجتماعی، ۲. مشارکت آگاهانه با افراد یا گروه‌ها؛ ۳. مقایسه خود با دیگران؛ ۴. احساس درمورد توانایی فردی.
منزلت اجتماعی	نوبدینیا (۱۳۸۵)	۱. احساس ارزشمندبودن؛ ۲. احساس رضایت؛ ۳. احساس پذیرش در جامعه.
امنیت اجتماعی	گیدنز (۱۹۹۴)	۱. احساس امنیت اجتماعی؛ ۲. احساس امنیت جانی و ناموسی؛ ۳. احساس امنیت مالی.

وزن‌دهی معیارها با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی AHP و با بهره‌گیری از نرم‌افزار Expert choice انجام شد. روش تحلیل AHP یکی از جامع‌ترین روش‌های تصمیم‌گیری چندگانه است که امکان فرموله کردن مسئله به صورت سلسله‌مراتبی را فراهم و این امکان را ایجاد می‌کند تا معیارهای کمی و کیفی را در مسئله در نظر بگیریم. همچنین این روش بر مبنای سیستم زوجی بنا نهاده شده و امکان فراهم‌آوری قضاوت‌ها و محاسبات را فراهم می‌سازد. به این ترتیب برای سنجش روایی پرسشنامه شناسایی عوامل بر مبنای طیف لیکرت با توجه به استانداردهای پرسشنامه‌ها از روایی صوری استفاده شد و سنجش پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ صورت گرفت. مقدار ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۸۳ محاسبه شد که بیانگر مطلوبیت پایایی آن است. در پژوهش حاضر، نرخ ناسازگاری محاسبه شده کوچک‌تر از ۰/۱ است؛ بنابراین پرسشنامه خبره از پایایی مطلوب برخوردار است.

جدول ۳. نتایج محاسبه نرخ ناسازگاری پرسشنامه مقایسه زوجی خبره

ملاک مقایسه زوجی معیار اصلی	مقدار نرخ ناسازگاری	ملاک مقایسه زوجی معیار اصلی	مقدار نرخ ناسازگاری
هدف	۰/۰۰۵	سلامت عمومی	۰/۰۰۴
منزلت اجتماعی	۰/۰۰۲	امنیت اجتماعی	۰/۰۰۷
حمایت اجتماعی	۰/۰۰۶	سرمایه فرهنگی	۰/۰۰۵
رابطه اجتماعی	۰/۰۰۳	-	-

جدول ۴. مراحل انجام پژوهش

مراحل	اقدامات
طراحی پژوهش	بیان مسئله، اهداف و سوالات پژوهش و تعیین معیارها
نمونه‌گیری	مشخص کردن و انتخاب جامعه و نمونه مورد بررسی
جمع‌آوری داده‌ها	طراحی پرسشنامه خبره برای مقایسه دوجه‌دوی معیارها و اولویت‌بندی آن‌ها و انجام مقایسه دوجه‌دوی معیارها با شناسایی وزن هر یک از معیارها ($n \times n$)
تحلیل یافته‌ها	ماتریس ($n \times m$) برای مقایسه دوجه‌دوی گزینه‌ها بر اساس هدف و معیارهای اصلی
بحث و نتیجه‌گیری	جمع‌بندی از تحلیل یافته‌ها و ارائه پیشنهاد

۴. یافته‌های پژوهشی

در این مطالعه، با توجه به هدف پژوهش که رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زنان شاغل و خانه‌دار در شهر مهرستان است، جامعه آماری تحقیق شامل کلیه زنان متأهل شاغل و خانه‌دار شهر مهرستان در سال ۱۴۰۰ است. طبق آخرین سرشماری جمعیت زن شهر مهرستان از استان سیستان و بلوچستان، این شهرستان دارای ۲۹۷۵ زن متأهل است که از این تعداد ۲۴۵۰ نفر خانه‌دار و ۵۲۵ نفر شاغل‌اند. در پژوهش حاضر با توجه به روش AHP و لزوم خبرگی جامعه آماری در پاسخگویی به سؤالات جامعه آماری مورد نظر در شهرستان مهرستان مشتمل بر ۱۳ نفر از زنان متأهل (شامل ۷ نفر شاغل - خانه‌دار و ۶ نفر فقط خانه‌دار) با حداقل ۵ سال سابقه تأهل با مدرک حداقل کارشناسی ارشد است. در ادامه مشخصات جمعیت‌شناختی آنها به اختصار در جدول (۵) آورده شده است:

جدول ۵. مشخصات نمونه مورد مطالعه

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
وضعیت اشتغال	خانه‌دار	۴۶/۱۶
	شاغل-خانه‌دار	۵۵/۸۴
سن	۲۵-۳۵ سال	۳۸/۴۶۱
	۳۶-۴۵ سال	۳۰/۷۶۹
	۴۶-۵۶ سال	۲۳/۰۷۶
	بالتر از ۵۶ سال	۱۵/۳۸۴
وضعیت تأهل	متأهل	۱۰۰
تحصیلات	کارشناسی ارشد	۸۴/۶۱۵
	دکتری	۱۵/۳۸۵
تعداد فرزندان	بدون فرزند	۷/۶۹۲
	۱ فرزند	۲۳/۰۷۶
	۲ فرزند	۳۰/۷۶۹
	۳ فرزند	۲۳/۰۷۶
	بیش از ۳ فرزند	۱۵/۳۸۴
قومیت	بلوچ	۷۶/۹۲۳
	غیر بلوچ	۲۳/۰۷۶
مذهب	شیعه	۱۵/۳۸۴
	سنی	۸۴/۶۱۵

در این مرحله با توجه به اینکه از روش تکنیک مقایسه زوجی برای رتبه‌بندی عوامل استفاده شد، ابتدا با استفاده از میانگین هندسی، نظرات خبرگان سنجش شدند. شاخص‌های شناسایی شده در این بخش به ترتیب در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶. ماتریس تجمیعی مقایسات زوجی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زنان متأهل شاغل و خانه‌دار مهرستان

سرمایه فرهنگی	امنیت اجتماعی	سلامت عمومی	رابطه اجتماعی	حمایت اجتماعی	منزلت اجتماعی	
۱۱	۹	۵	۱۰	۱۱	۱	منزلت اجتماعی
۲	۳	۳	۱	۱	۰/۰۹۱	حمایت اجتماعی
۷	۳	۱	۱	۱	۰/۱	رابطه اجتماعی
۱۰	۹	۱	۱	۰/۳۳	۰/۲	سلامت عمومی
۸	۱	۰/۱۱	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۱۱۱	امنیت اجتماعی
۱	۰/۱۲	۰/۱	۰/۱۴	۰/۵	۰/۰۹۱	سرمایه فرهنگی
۴۲/۳	۲۷/۰	۱۰/۸	۱۵/۴	۱۶/۳	۲/۱۱۸	مجموع

۴-۱. محاسبه ماتریس نرمال شده

در این مرحله برای تعیین اولویت از نرمال‌سازی و تعیین میانگین موزون استفاده شد. خروجی استاندارد در جدول ۷ ارائه شده است. شایان ذکر است در جدول‌های ۷ و ۸، ستون عمودی مربوط به زنان شاغل و ستون افقی مربوط به زنان خانه‌دار است.

جدول ۷. ماتریس نرمال شده عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زنان متأهل شاغل و خانه‌دار شهرستان مهرستان

سرمایه فرهنگی	امنیت اجتماعی	سلامت عمومی	رابطه اجتماعی	حمایت اجتماعی	منزلت اجتماعی	
۰/۲۶	۰/۳۳۳	۰/۴۶	۰/۶۴۸	۰/۶۷۵	۰/۴۷۲	منزلت اجتماعی
۰/۰۴۷	۰/۱۱۱	۰/۳۷۶	۰/۰۶۵	۰/۰۶۱	۰/۰۴۳	حمایت اجتماعی
۰/۱۶۵	۰/۱۱۱	۰/۰۹۲	۰/۰۶۵	۰/۰۶۱	۰/۰۴۷	رابطه اجتماعی
۰/۲۳۶	۰/۳۳۳	۰/۰۹۲	۰/۰۶۵	۰/۰۲	۰/۰۹۴	سلامت عمومی
۰/۱۸۹	۰/۰۳۷	۰/۰۱	۰/۰۲۲	۰/۰۲	۰/۰۵۲	امنیت اجتماعی
۰/۰۲۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۰/۰۳۱	۰/۰۴۳	سرمایه فرهنگی

طبق نتایج تکنیک مقایسه زوجی، اهمیت نسبی هر عامل نسبت به عوامل دیگر در شکل ۱ نشان داده شده است.

جدول ۸. ماتریس مقایسه زوجی معیارهای اصلی

سرمایه فرهنگی	امنیت اجتماعی	سلامت عمومی	رابطه اجتماعی	حمایت اجتماعی	منزلت اجتماعی	
۲/۷۶۵	۱/۴۱۲	۲/۷۷۳	۰/۷۱۱	۱/۵۴۹	۱	منزلت اجتماعی
۱/۴۳۲	۱/۲۱۱	۰/۹۸۷	۰/۳۵۱	۱	۰/۷۴۳	حمایت اجتماعی
۱/۲۶۵	۰/۵۷۹	۲/۱۹۸	۱	۱/۲۶۹	۱/۳۲۷	رابطه اجتماعی
۱/۸۵۵	۲/۶۹۴	۱	۰/۶۵۱	۰/۴۵۵	۰/۵۴۱	سلامت عمومی
۱/۱۲۱	۱	۲/۳۱۵	۱/۲۱۱	۱/۱۷۹	۱/۴۳۲	امنیت اجتماعی
۱	۱/۳۶۴	۰/۹۵۶	۱/۵۴۱	۱/۶۹۱	۲/۶۴۱	سرمایه فرهنگی

جدول ۹. تعیین اولویت معیارهای اصلی تحقیق

بردار ویژه	میانگین هندسی	سرمایه فرهنگی	امنیت اجتماعی	سلامت عمومی	رابطه اجتماعی	حمایت اجتماعی	منزلت اجتماعی	
۰/۰۸۱	۰/۵۱۴	۱/۱۱۳	۰/۹۷۲	۱/۹۹۸	۰/۳۵۱	۰/۹۸۱	۱	منزلت اجتماعی
۰/۰۹۲	۰/۵۲۱	۱/۴۲۸	۰/۶۴۵	۱/۸۵۶	۰/۵۷۴	۱	۰/۳۸۱	حمایت اجتماعی
۰/۳۶۹	۱/۸۸۹	۲/۲۱۵	۱/۳۳۴	۲/۲۳۴	۱	۲/۱۸۸	۱/۳۱۴	رابطه اجتماعی
۰/۰۳	۰/۴۹۸	۰/۶۷۹	۰/۳۵۹	۱	۰/۵۲۱	۰/۴۵۲	۰/۳۷۳	سلامت عمومی
۰/۱۶۵	۱/۲۱۴	۱/۱۰۸	۱	۱/۳۶۹	۱/۱۱۵	۱/۲۲۱	۰/۶۵۱	امنیت اجتماعی
۰/۰۷۳	۰/۵۰۷	۱	۱/۳۶۵	۱/۴۷۴	۰/۶۹۳	۰/۷۸۵	۰/۵۴۹	سرمایه فرهنگی

جدول ۱۰. اولویت بندی عوامل مؤثر کیفیت زندگی زنان متأهل شاغل و خانه دار شهرستان مهرستان بر مبنای هدف

رتبه	وزن نرمال	معیارهای شناسایی شده
۱	۰/۳۶۹	رابطه اجتماعی
۲	۰/۱۶۵	امنیت اجتماعی
۳	۰/۰۹۲	حمایت اجتماعی
۴	۰/۰۸۱	منزلت اجتماعی
۵	۰/۰۷۳	سرمایه فرهنگی
۶	۰/۰۳	سلامت عمومی



شکل ۱. اولویت‌بندی عوامل مؤثر کیفیت زندگی زنان متأهل شاغل و خانه‌دار شهرستان مهرستان براساس هدف

با توجه به نتایج نهایی، گزینه اول یعنی رابطه اجتماعی با وزن ۰/۳۷ رتبه اول را در عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زنان شاغل و خانه‌دار کسب کرده است. از بین عوامل مختلف به ترتیب رتبه دوم متغیر امنیت اجتماعی با وزن ۰/۱۷، رتبه سوم متغیر حمایت اجتماعی با وزن ۰/۰۹، رتبه چهارم متغیر منزلت اجتماعی با وزن ۰/۰۸، رتبه پنجم متغیر سرمایه فرهنگی با وزن ۰/۰۷ و رتبه ششم متغیر سلامت عمومی با وزن ۰/۰۳ در کیفیت زندگی زنان نقش دارد.

۵. بحث

تغییر سبک و همچنین نقش‌های سنتی زنان و تقاضای روزافزون آنان برای مشارکت در عرصه‌های مختلف امروز به واقعیتی انکارناپذیر در جامعه داخل کشور مبدل شده است. در این پژوهش، با هدف رتبه‌بندی عوامل اثرگذار بر کیفیت زندگی زنان متأهل شاغل و خانه‌دار شهرستان مهرستان به روش تحلیل سلسله‌مراتبی AHP و به روش رتبه‌بندی تکنیک مقایسه زوجی، ماتریس مقایسه زوجی تشکیل و به خبرگان شرکت‌کننده برای تعیین وزن ارسال شد. سپس با توجه به نتایج از سوی خبرگان، عوامل به ترتیب زیر رتبه‌بندی شدند.

رابطه اجتماعی: یافته‌ها حاکی از آن است که زنان متأهل شاغل به دلیل ارتباطات شغلی از فرصت‌های بیشتری برای برقراری روابط اجتماعی موفق برخوردارند. این در حالی است که بسیاری از زنان متأهل خانه‌دار استرس را تجربه می‌کنند؛ زیرا کار در خانه را یکنواخت و بی‌پاداش می‌دانند و به دلیل فرار گرفتن در انزوای اجتماعی و جایگاه پایینی که معمولاً با نقش خانه‌دار مرتبط است، استرس بیشتری از زنان شاغل هستند. این یافته با حاصل مطالعات سینک و کومار (۲۰۲۰) احمد و خان (۲۰۱۸) و اسفندیاری و همکاران (۱۳۹۵) مطابقت دارد و با نتیجه تحقیق تبریزی و همکاران (۱۳۹۵) ناهمسو است. براین اساس می‌توان گفت دایره ارتباطات زنان شاغل وسیع‌تر از زنان خانه‌دار است و در محیط کاری با افراد بیشتری سروکار دارند؛ بنابراین ارتباط اجتماعی آنان بیشتر از زنان

خانه‌دار است. همچنین زنان شاغل در مقایسه با زنان خانه‌دار، حضور بیشتری در جامعه دارند. این در حالی است که زنان خانه‌دار، مدت طولانی‌تری در خانه هستند و بیشتر به کارهای یکنواختی در منزل مشغول هستند و فرصت کمتری برای حضور در اجتماع دارند. از طرفی دیگر براساس تحقیق شیردل (۱۴۰۱) توانمندسازی اجتماعی زنان می‌تواند به بهبود وضعیت شغلی و کیفیت زندگی زنان خانه‌دار کمک نماید.

منزلت اجتماعی: بنا به نتایج این مطالعه، شغل و شاغل بودن زنان موجب احترام از طرف دیگران می‌شود. این یافته با نتایج مطالعات مفتی و همکاران (۲۰۱۹)، کرمان ساروی (۱۳۹۰) همخوانی دارد و با نتایج رضانی (۱۳۹۰) و کردی و هادی‌زاده (۱۳۹۱) ناهمسو است. این امر ناشی از آن است که از منظر زنان خانه‌دار، نقش تربیتی‌ای که در خانواده دارند، به‌عنوان تکلیفی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است که انجام آن امری معمول و وظیفه است و آن‌ها فقط هنگامی از منزلت بالایی برخوردار می‌شوند که بتوانند در راستای منافع خانواده، در خانه یا در بیرون خانواده نقش یا شغلی فعال برعهده داشته باشند.

حمایت اجتماعی: زنان شاغل در شهرستان مهرستان در مقایسه با زنان خانه‌دار، از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردارند. این یافته با مطالعات مفتی^۱ و همکاران (۲۰۱۹)، داوود و حبیب (۲۰۱۸) و میرزایی و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد. براین اساس می‌توان اذعان کرد با توجه به اینکه زنان شاغل در فرایندهای کاری و اجتماعی مشارکت دارند و به‌راحتی می‌توانند شبکه‌های اجتماعی ایجاد و تقویت کنند، می‌توانند نیازهای مادی و معنوی خود را برطرف و از سلامت فردی و اجتماعی و در درجه بعدی کیفیت زندگی بهتری برخوردار شوند. حمایت اجتماعی علاوه بر بهبود خلق‌وخوی فرد، سبب تشویق او به حضور فعال در جامعه و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی مختلف می‌شود.

امنیت اجتماعی: براساس یافته‌های این پژوهش، امنیت اجتماعی زنان شاغل بیشتر از زنان خانه‌دار و تأثیر این امنیت در کیفیت زندگی زنان شاغل بیشتر است. این یافته با نتایج تحقیقات جانجانی و همکاران (۱۳۹۳) و محمدی و همکاران (۱۳۹۱) همسو است. براین اساس می‌توان گفت اگرچه زنان جامعه بیشتر از مردان از ناامنی آسیب می‌بینند و شرایط زندگی آن‌ها به وجود امنیت وابسته‌تر است، آن دسته از زنانی که در محیطی مناسب شاغل‌اند و فعالیت اجتماعی دارند، مستقل از مناسبات، روابط و پیوندهای مشترک اجتماعی و وابستگی متقابل در زمینه عدالت توزیعی که امنیت شخصی و اقتصادی، حمایت شهروندی و حقوق انسانی را تضمین می‌کند، از کیفیت زندگی بیشتری برخوردارند.

سرمایه فرهنگی: نتایج پژوهش مشخص کرد سرمایه فرهنگی بالا کیفیت زندگی بهتری برای زنان شاغل مهرستانی به دنبال داشته است. این یافته با حاصل مطالعات سینگ و کومار (۲۰۲۰)، احمد و خان (۲۰۱۸) و میرزایی و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت دارد. درباره سرمایه فرهنگی ذهنیت‌یافته، بورديو می‌گوید والدینی که از تحصیلات بالاتری برخوردارند قادر خواهند بود که فرهنگ رفتارهای خوب و مفید را به فرزندان خود آموزش دهند (Bourdieu, 2011: 212). همچنین گیدنز در ارتباط با سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته می‌گوید کیفیت زندگی خوب به انتخاب بستگی دارد، این انتخاب وابسته به اطلاعات است و این اطلاعات محصول فرایند ارتباطات هستند. همچنین اینکه افکار و اطلاعاتی که رسانه‌ها در اجتماع نشر می‌دهند، یکی از عوامل شکل‌دهنده جهان اجتماعی هستند (Giddens, 2001: 312).

سلامت عمومی: زنان خانه‌دار از سلامت عمومی بیشتری نسبت به زنان شاغل برخوردارند. نتایج این فرضیه همسو با نتایج تحقیقات مقبول و همکاران (۲۰۱۴) و خورشید و همکاران (۲۰۰۷) است. همچنین با تحقیقات تبریزی و همکاران (۱۳۹۵)، کرمان ساروی و همکاران (۱۳۹۰) و چوپرا و دیوید (۲۰۱۸) ناهمسو است. یکی از جنبه‌های سلامت عمومی زنان، جنبه‌های روانی و سلامت روان است. جنبه‌های روانی شغل نیز ممکن است بر سلامت جسمانی تأثیر بگذارد. از جنبه مثبت، این احتمال وجود دارد که افزایش تماس اجتماعی و حمایت اجتماعی سلامت زنان شاغل را بهبود بخشد. بسیاری از زنان، ارتباط اجتماعی در محل کار را به‌عنوان یک مزیت مهم شغلی تلقی می‌کنند. براساس نظریه کیز^۱ می‌توان این قضیه را استنباط کرد که زنان شاغل و خانه‌دار در محیط و فضای اجتماعی متفاوتی به‌سر می‌برند که سبب می‌شود میزان سلامت اجتماعی آن‌ها متفاوت شود و در نتیجه زنان شاغل و خانه‌دار دارای میزان متفاوتی از مهارت‌های ارتباطی و کیفیت زندگی شوند (Nikvarz & Yazdanpanah, 2005).

۶. نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان داد عامل پیوندهای اجتماعی زنان در کیفیت زندگی آن‌ها در رتبه بالاتری نسبت به سایر عوامل قرار دارد و در مراتب بعدی عوامل منزلت اجتماعی، حمایت اجتماعی و امنیت اجتماعی قرار دارد. به عبارتی مهم‌ترین عامل در کیفیت زندگی زنان، برخورداری از شبکه روابط سالم اجتماعی و برخورداری از پایگاه اجتماعی مطلوب در مقایسه با دیگران است. سرمایه فرهنگی نیز در دسترسی زنان به منابع و بهبود کیفیت زندگی مؤثر است. همچنین با افزایش سلامت عمومی

در زنان، کیفیت زندگی آن‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند؛ بنابراین می‌توان اذعان کرد که زنان شاغل به دلیل مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی جذب چارچوب اجتماعی می‌شوند. در نتیجه بین ارزش‌های فردی و اجتماعی تفاوتی نمی‌بینند و نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی احساس مسئولیت و اعتماد دارند که این امر سبب افزایش یکپارچگی اجتماعی می‌شود. به این ترتیب احساس می‌کنند سرنوشت اجتماع به اجزای تشکیل‌دهنده اجتماع مربوط است و اجتماع را مکانی مناسب برای تکامل خود می‌بینند که این امر موجب شکوفایی اجتماعی می‌شود. زنان با این تفکر احساس می‌کنند جامعه آن‌قدر پیچیده نیست که نتوان آینده را پیش‌بینی کرد که این امر پیوستگی اجتماعی ایجاد می‌کند؛ بنابراین نگرشی مثبت به اجتماع و افراد آن دارند که این پذیرش اجتماعی را به همراه دارد و در نتیجه سلامت اجتماعی فرد را افزایش می‌دهد، سبب ارتقای کیفیت زندگی زنان شاغل می‌شود و امنیت روانی آنان نیز افزایش می‌یابد.

با توجه به اینکه براساس نتایج اغلب زنان خانه‌دار از کیفیت زندگی ضعیف‌تری برخوردارند، توصیه می‌شود دولت و نهادهای اجتماعی با برنامه‌ریزی و همچنین حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی (تسهیل شرایط اشتغال در خانه، تسهیل شرایط برای بیمه زنان خانه‌دار و...) شرایط بهبود کیفیت زندگی را برای این گروه از زنان متأهل فراهم آورند. ایجاد و توسعه کمیته‌های محلی با حمایت دولت و تأکید بر مشاوره و مددکاری اجتماعی برای کاستن مشکلات زنان براساس شرایط منطقه سیستان و منطبق بر فرهنگ جامعه، ارتقای آگاهی مردم و حمایت خانواده‌ها به منظور زمینه‌سازی حضور زنان در عرصه اشتغال و اجتماع، آموزش حقوق و مهارت‌های زندگی به زنان متأهل خانه‌دار و شاغل در سطح شهرستان مهرستان و استان سیستان و بلوچستان، از جمله پیشنهادهای این پژوهش در راستای افزایش کیفیت زندگی آن‌ها است.

سپاسگزاری

از شرکت‌کنندگان خبره که در انجام این پژوهش ما را یاری رساندند قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان است و در آن هیچ تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Aghamolai, T. (2005). *General principles of health services*. Tehran: Andisheye Now. (In Persian)
- Ahmad, M., & Khan, A. (2018). Quality of life among married working women and housewives. *International Journal of Engineering & Technology Singaporean Social Science*, 13-18.
- Amini, A., & Ghanizadeh, F. (2010). Analysis of factors affecting on employment: a case study of Iran's industrial workshops. *Economy and Modeling*, 1(2), 187-212. (In Persian)
- Amirpour Said, M. A. (2018). Social stratification and inequality: Examining Max Weber's view regarding social stratification. *Applied Studies in Social Sciences and Sociology*, 2(5), 51-60. (In Persian)
- Biro, A. (1991). *Culture of Social Sciences*. Translated by: B. Saroukhani. Tehran: Keihan. (In Persian)
- Bond, J., & Koerner, L. (2009). *Quality of life and the elderly*. Translated by: H. Mohagheghi Kamal. Tehran: Danja Publishing. (In Persian)
- Bourdieu, P. (2011). *Discrimination, judgments of taste* (3rd Ed.). Translated by: H. Chavoshian. Tehran: Saless. (In Persian)
- Chaudhary, S. (2018). Life satisfaction and stress among working women and housewives. *International Journal of Research in Social Sciences*, 8(3), 940-946.
- Chopra, T., & David, S. (2018). The health-related quality of life of housewives and employed women: a comparison between the two categories. *Review of European Studies*, 9(2), 268-274. <http://www.biomedcentral.com/1472-6874/12/41>
- Dawood, E., & Habib, F. (2018). Comparison of depression and anxiety between housewife and employed pregnant women. *International Journal of Nursing*, 5(2), 23-31. <https://doi.org/10.15640/ijn.v5n2a3>
- Dibaji, S. M., Oreyzi, S. H. R., & Abedi, M. R. (2017). Occupation or Home: Comparison Housewives and Working Women in the Variables of Stress, Depression and Perception of Quantitative Mental and Emotional Home Demands. *Review of European Studies*, 9(2), 268. <https://doi.org/10.5539/res.v9n2p268>
- Esfandiari Moghadam, A., Agae, H., & Salehi, N. (2015). An attitude on the quality of life, positive/negative emotion of marital satisfaction in working and housewives women of Gorgan. *National conference on the role of women in sustainable development*. Tabriz. <https://civilica.com/doc/605218> (In Persian)

- Frisch, M. B. (2006). *Quality of Life Therapy: Applying a life satisfaction approach to positive psychology and cognitive therapy*. John Wiley & Sons Ltd.
- Ghafari, Gh. R., & Omid, R. (2008). *Quality of life index of social development*. Tehran: Shirazeh Publishing. (In Persian)
- Giddens, A. (2001). *Consequences of Modernity*. Translated by: M. Salasi. Tehran: Markaz Publication. (In Persian)
- Hashmi, H. A., Khurshid, M., & Hassan, I. (2007). Marital adjustment, stress and depression among working and non-working married women. *The Internet Journal of Medical Update*, 2(1), 19-26. <https://doi.org/10.4314/ijmu.v2i1.39843>
- Heydarian, M., & Isanejad, O. (2019). The effectiveness of treatment based on improving quality of life on family life quality performance. *Military Psychology Quarterly*, 11(44), 45-59. (In Persian)
- Hosseini Amin, S. N., Seyed Mirzaei, S. M., & Idrisi, A. (2016). Social and economic factors affecting the quality of life of Tehrani citizens. *Social Welfare*, 17(66), 223-254. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2016.5939> (In Persian)
- Janjani, P., Momeni, Kh., & Karami, J. (2013). The relationship between social security and lifestyle with the quality of life and happiness of Kermanshah women. *Clinical Research Quarterly in Paramedical Sciences*, 3(4), 247-256. (In Persian)
- Jha, V. K., & Singh, R. (2020). Comparison of Working and Non-Working Women in Terms Of Marital Satisfaction and Quality of Life. *Life Science*, 10(5), 226. <http://doi.org/22610.19070/2332-3000/130002>
- Kerman Saravi, F., Montazeri, A., & Bayat, M. (2019). Comparing the health-related quality of life of working and housewives women. *Payesh*, 11(1), 111-116. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.16807626.1390.11.1.13.1> (In Persian)
- Khaneghahi, S., Bamedi, N., & Khoshdel Daryabri, S. (2018). A comparative study of illness anxiety and marital sexual satisfaction in working and housewives married women. *Women and Society*, 10(39), 114-9. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20088566.1398.10.39.7.0> (In Persian)
- Khatibi, A. (2014). Investigating women's attitude towards affecting factors on family consolidation (a survey among female employees of Payam Noor universities in Hamedan province). *Women and Family Studies*, 3(1), 52-92. <https://doi.org/10.22051/JWFS.2015.2196> (In Persian)
- Khayat-zadeh, M. (2009). A comparative study of the quality of life of mothers of children with cerebral palsy and retardation of healthy children. *Daneshvar Medicine*, 16(83), 58-49. (In Persian)

- Khoda Rahmi, M., Sadeghi Afjeh, Z., & Qozlojeh, A. (2019). Comparison of documentation styles, happiness and self-esteem in working and housewives women. *New Advances in Behavioral Sciences*, 5(45), 25-37. <http://ijndibs.com/article-1-452-fa.html> (In Persian)
- KÜÇÜKKAYA, B., & SÜT, H. K. (2021). The relationship between stress and quality life of women working in the washing tape of magnesite mine and home women. *Bezmialem Science*, 9(2), 140. <http://doi.org/10.14235/bas.galenos.2020.4086>
- Kurdi, H., & Hadizadeh, S. (2019). Investigating the lifestyle of employment and unemployment women. *Women and Society*, 3(11), 21-42. (In Persian)
- Malek, H. (2013). *Sociology of strata and social inequalities* (2nd Ed.). Tehran: Payam Noor University Press, second edition. (In Persian)
- Maqbool, M., Shrivastava, N., & Pandey, M. (2014). A comparative study of mental health of working women and housewives. *Indian Journal of Health and Wellbeing*, 5(11), 1398-1400. <https://www.researchgate.net/publication/286544480>
- Mazani, F. (2018). Comparing the quality of life of working and housewives women. *The first regional women's health conference. Hamedan*. <https://civilica.com/doc/125215> (In Persian)
- Mirzaei, H., Aghayari, T., & Katebi, M. (2012). A study on life quality among married women in family institution. *Sociology of Social Institutions*, 1(3), 71-93. (In Persian)
- Mohammadi, J., Bageyan, M. J., & Mousavi, S. S. (2011). Investigating the relationship between the feeling of social security and the quality of life of Kermanshah women. *Social Security Studies*, 31, 143-156. (In Persian)
- Mohseni, M., & Salehi, P. (2012). *Social satisfaction in Iran*. Tehran: Yaddasht Publishing. (In Persian)
- Mufti, W. N., Ullah, I. A., & Fatima, S. (2019). Aggression, self-control and quality of life among working and non-working women. *European Journal of Business and Social Sciences*, 4(08), 132-140. <http://www.ejbss.com/recent.aspx/>
- Navidenia, M. (2005). Analysis of the relationship between social security and Iranian identity. *Sociology*, 2(3), 156-178. (In Persian)
- Nazari, J., & Mokhtari, M. (2010). *Sociology of quality of life*. Tehran: Sociologists Publications. (In Persian)
- Nikvarz, T., & Yazdanpanah, L. (2014). The relationship between social factors and the social health of students of the Shahid Bahonar University of Kerman. *Applied Sociology*, 26(3), 116-99. <https://doi.org/20.1001.1.20085745.1394.26.3.6.4> (In Persian)

- Rastegar Nasab, F., Mostafavi, N., & Jahannamai, A. (2013). Investigation and comparison of the quality of life of employment and unemployment women of Mashhad city. *Population*, 19(79), 53-68. (In Persian)
- Salehi Amiri, S. R. (2007). *Cultural concepts and theories*. Tehran: Qoqnous. (In Persian)
- Salehi, H. (2012). Investigating the cost and benefits of the consequences of women's employment for society. *The first international conference on political saga (with an approach to Middle East developments) and economic saga (with an approach to management and accounting)*. Roudehen. (In Persian)
- Shams Elahi, S., & Kafashi, M. (2012). Social and cultural affecting factors the quality of life of the citizens of Tehran. *Social Research*, 6(20), 181-161. <http://qjfr.ir/article-1-44-fa.html> (In Persian)
- Shirdel, E. (2023). [The effectiveness of virtual education for intellectual-social empowerment of housewives in entrepreneurship](https://doi.org/10.52547/irtvto.11.42.71). *Quarterly Journal of Skill Training*, 11(42), 71-82. <http://doi.org/10.52547/irtvto.11.42.71> (In Persian)
- Singh, S., & Kumar, K. (2020). Life satisfaction and quality of life level among working and non-working women. *The International Journal of Indian Psychology*, 1(4), 121. <http://doi.org/10.25215/0104.015>
- Tabrizi, Z., Ansarnejad, N., & Esfahani Khaleghi, A. (2015). Comparing the quality of life in working and housewives women of Alborz province. *The second international congress of community empowerment in the field of counseling, family and Islamic education*. Tehran. (In Persian)
- Torabi, Z. (2013). Investigating the relationship between social support and academic burnout in Payam Noor University students of Abarkoh. *Bachelor's thesis*. Payam Noor University, Abarkoh branch. (In Persian)
- Turkman, S., & Fathi, S. (2013). Analysis of the effects of women's employment on their quality of life (A case study of working women in the Ministry of Science, Research and Technology). *Women and Society*, 7(4), 13-25. <https://doi.org/20.1001.1.20088566.1395.7.28.2.2> (In Persian)
- Veenhoven, R. (1991). Is Happiness Relative. *Social Indicators Research*, 24, 1-34. <http://doi.org/10.1007/BF00292648>
- Zeab, F., & Uzma, A. (2015). A comparative study on the self-esteem of working and non-working women in Pakistan. *Journal of Social Sciences*, 4(4), 934-944. <https://doi.org/10.47883/jszmc.v13i01.200>